قانون

مهر در ازدواج موقت

مریم کرباسی*

■ قواعد عمومی مهر در نکاح موقت نیز اجرا می‌شود و این سازمان حقوقی را قانون اداره می‌کند. با این تفاوت که ازدواج موقت، اعتبار معنوی و اخلاقی ازدواج دایم را ندارد چراکه هدف از این زناشویی کامجویی و انتفاع است نه ایجاد نسل و شوهر تامین مخارج خانواده را به عهده ندارد و همان‌طور که پیش از این در مبحث ازدواج موقت به تفصیل به آن اشاره شد زن از شوهر ارث نمی‌برد. بنابراین در ازدواج موقت، مهر یکی از ارکان اصلی عقد است چنانکه ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد «در نکاح منقطع عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است» براین‌اساس هرگاه مهر در عقد ذکر نشود یا مهر مالیت نداشته باشد یا مجهول بماند یا متعلق به دیگری باشد در این صورت بطلان توافق درباره مهر، نکاح را نیز باطل می‌کند بنابراین باید مهر و میزان آن در ازدواج موقت معین شود و بطلان هریک در دیگری اثر می‌گذارد و اختیار به‌هم زدن مهر در ازدواج موقت صحیح نیست و چنین شرطی به منزله فسخ ازدواج تلقی می‌شود حال چنانچه ازدواج باطل و زن جاهل به بطلان ازدواج باشد بنابراین مانند ازدواج دایم مستحق مهرالمثل است. میزان مهرالمثل برحسب حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و... و داوری عرف معین می‌شود.

همچنین درخصوص رابطه مهر با تمکین باید گفت همان قواعد ازدواج دایم حکم فرماست چراکه به استناد ماده ۱۰۹۶ قانون مدنی «در نکاح منقطع موت زن در اثنای مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.» بنابراین‌چنین استنباط می‌شود که مهر به میزان تمکین زن در تمام مدت تقسیم نمی‌شود بلکه اگر بعد از نزدیکی زن از ادامه تمکین از شوهر امتناع کند و به عبارتی ناشزه شود در این صورت حق او نسبت به مهر از بین نمی‌رود و شوهر نیز نمی‌تواند تسلیم تمام یا بخشی از مهر را موکول به تمکین کند و نیز در ازدواج موقت اگر شوهر تا پایان مدت ازدواج با همسر نزدیکی نکند زن مستحق تمام مهر خود است یا چنانچه بعد از نزدیکی مابقی مدت را به زن بذل کند باز هم زن مستحق تمام مهریه خود است ولی نکته قابل توجه این است که به موجب ماده ۱۰۹۷ قانون مدنی «در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.» منظور از تمام مدت، تمام مدت باقی مانده از ازدواج است و تنها در این مورد است که زن مستحق نصف مهریه است.

*وکیل پایه یک دادگستری

رخداد

بررسی امکان قصاص چشم در پزشکی قانونی

■ **فارس:** ضارب حجت‌الاسلام فرزاد فروزش برای بررسی درخواست شاکی مبنی بر قصاص چشم به پزشکی قانونی منتقل شد. بعد از اینکه حجت‌الاسلام فرزاد فروزش؛ روحانی‌ای که خرداد امسال از ناحیه چشم توسط فردی با اصابت شیشه نابینا شده بود، درخواست قصاص چشم کرد، قاضی پرونده نیز از مسوولان زندان خواست متهم را به پزشکی قانونی منتقل کنند. برهمین اساس روز دوشنبه گذشته متهم به همراه ماموران زندان به پزشکی قانونی منتقل شد تا کارشناسان تحقیقات پزشکی روی چشم وی را انجام دهند که مشخص شود که امکان قصاص چشم وجود دارد یا خیر. حجت‌الاسلام فرزاد فروزش امام جماعت دانشگاه علوم پزشکی تهران شامگاه ۱۶ خرداد امسال در جریان نهی از منکر از سوی چند نفر مورد حمله قرار گرفت که در جریان این اتفاق بینایی چشم راستش را از دست داد.

زورگیری در پوشش مسافربر

■ **شرق:** سه زورگیر حرفه‌ای که در پوشش مسافربر با ایجاد رعب و وحشت از مسافران سرقت می‌کردند، دستگیر شدند و به ۱۰ فقره زورگیری اعتراف کردند. سرهنگ خیرخواهان، فرمانده انتظامی شهرستان کرج در این‌باره گفت: ماموران حین گشت‌زنی در نیمه‌های شب به یک پراید نقره‌ای رنگ با سه سرنشین که کنار خیابان توقف کرده بود، مشکوک شدند. وی در ادامه گفت: ماموران با نزدیک شدن به خودرو در بازرسی اولیه از آن یک عدد گاز اشک آور، یک قبضه قمه، یک قبضه چاقوی ضامن‌دار، تعدادی مدارک شناسایی و گوشی تلفن همراه کشف و پس از دستگیری متهمان آنها را برای بازجویی‌های بیشتر به کلانتری منتقل کردند. سرهنگ خیرخواهان افزود: متهمان در ابتدا منکر هرگونه جرمی شدند اما در بازجویی‌های فنی ماموران لب به اعتراف گشودند و گفتند با تشکیل یک باند سرقت و زورگیری، در پوشش مسافربر پس از سوار کردن افراد به خودرو پس از طی مسافتی با تهدید و ایجاد رعب و وحشت از مسافران زورگیری و سپس آنها را در محل خلوتی رها می‌کردند و متواری می‌شدند که به این شیوه تاکنون به ۱۰ فقره سرقت پرداخته‌اند.

خواستگاری خونین دختر از پسر جوان

شرق: پسر جوانی که بعد از قتل یک دختر اقدام به خودکشی کرده بود پس از بهبودی جزییات جنایت را شرح داد.

به گزارش خبرنگار ما، مرد میانسالی روز ۱۸ دی با مراجعه به دادسرای ناحیه ۴ تهران با طرح شکایتی از مفقود شدن دختر ۳۲ ساله‌اش به نام زهرا خبر داد و گفت: «دخترم از دو روز قبل از منزل خارج شده و دیگر برنگشته است.» با ارجاع پرونده به پایگاه چهارم پلیس آگاهی، تحقیقات از خانواده این دختر آغاز شد. پدر زهرا توضیح داد: «دخترم چندین سال است با یک پسر به نام ابوالفضل دوست است و در ماه‌های اخیر بین آن دو اختلافاتی بروز کرده و من احتمال می‌دهم این پسر از دخترم خبر داشته باشد.» در بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص شد ابوالفضل در روز ۱۷ دی ماه با خوردن صدها قرص اقدام به خودکشی کرده و در بیمارستان لقمان حکیم بستری شده و هم اکنون بیهوش است.

کارآگاهان در این مدت، اقدام به بررسی خودرو ابوالفضل کردند و متوجه شدند صندلی خودرو وی خونی شده است. ضمن اینکه گوشی تلفن همراه زهرا نیز در خودرو ابوالفضل کشف و مشخص شد دختر جوان به دست پسر موردعلاقه‌اش کشته شده است. ابوالفضل بعد از به هوش آمدن، توسط کارآگاهان جنایی تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: سال ۸۴ در پایان یک روز کاری در مسیر برگشت از محل کار به منزل، طبق معمول هر روز که مسافر سوار می‌کردم، زهرا را سوار کردم. او قبل از سوار شدن به من گفت کیف پولش را گم کرده است. من او را تا منزلش رساندم. در مقابل این کار شماره تلفنی بین ما ردوبدل شد. روز بعد با او تماس گرفتم و گفتم برای جبران ضرر مالی‌ای که به دلیل گم شدن کیف به او وارد شده، می‌توانم از اداره‌مان ۲۰۰ هزار تومان وام بلاعوض برایش بگیرم. من خیلی زود این کار را کردم و ما با هم دوست شدیم. زهرا دختر نجیبی بود و می‌گفت به قصد ازدواج به من علاقه پیدا کرده است و در روزهای بعد از من خواست تا برای ازدواج با او پا پیش بگذارم اما بعد از مدتی حس کردم ما برای هم ساخته نشده‌ایم. حتی در همان موقع این موضوع را با او در میان گذاشتم اما نمی‌پذیرفت و باز هم برای ازدواج اصرار می‌کرد. من هر روز از او دور می‌شدم و او دیوانه‌وار به من علاقه پیدا می‌کرد تا جایی که تمامی فامیل و همسایه‌هایمان از این موضوع اطلاع داشتند. این علاقه یک طرفه سال‌ها ادامه پیدا کرد تا جایی که برای خلاص شدن از دست او مجبور شدم کارم را در سازمان تامین اجتماعی رها کنم و در جایی دیگر و به صورت پنهانی کاری دست‌وپا کنم. او محل کار جدیدم را نیز پیدا کرد و از آنجا هم رفتم و یک خانه مجردی اجاره و کار دیگری پیدا کردم. فقط خانواده‌ام از محل کار و زندگی جدیدم اطلاع داشتند. حدود دو سال زندگی و کار پنهانی داشتم تا یاد من از سر او بیرون برود اما در این مدت او با آمدن به در منزل‌مان و ایجاد مزاحمت برای مادر و خانواده‌ام سعی می‌کرد آدرس محل کار جدید و منزلم را پیدا کند. متهم ادامه داد: «خانواده‌ام دو بار از دست زهرا شکایت کردند. او هم یک‌بار به خاطر اینکه صورتش را زخمی کرده بودم از دست من شکایت کرد. یک روز که در محل کارم سروصدا و آبروریزی کرد داخل ماشینم با سوبیچ به صورتش زده بودم. البته زهرا نمی‌توانست مرا در زندان ببیند. فقط با این شکایت می‌خواست تسلیم شوم و به خواسته ازدواج با او پاسخ مثبت بدهم. من فقط چند روز بعد از دوستی‌مان بی‌علاقگی‌ام را به او اعلام کردم که نه تنها اثری نداشت بلکه او با اطلاع از این موضوع با جدیت بیشتری به من علاقه نشان می‌داد و شاید برای همین از من می‌خواست تا به خواستگاری‌اش بروم و با او ازدواج کنم.» ابوالفضل در ادامه اظهاراتش گفت: «حدود یک سال قبل با یک دختری آشنا شدم که پدر و مادرش فوت شده بودند و من او را عقد موقت کردم و در همان خانه و به دور از زهرا با او زندگی می‌کردم اما جرأت نداشتم مراسم رسمی برگزار کنم. چون می‌دانستم زهرا جشن عروسی‌ام را خراب می‌کند. روز حادثه او با من تماس گرفت و گفت فقط به یک شرط حاضر است از زندگی‌ام بیرون برود. حدود ساعت ۱۰ شب من به سمت منزل‌شان در چهارراه لشکر رفتم. شرطش این بود که من در حضور او با مادرم و سپس با خواهرم دعوا کنم. این اواخر او مشکلات عصبی و روحی روانی پیدا کرده بود و می‌دانستم دعوا با خانواده‌ام، بهانه جدیدش است. حدود ساعت یک نیمه شب در حالی که در خودرو نشسته بودیم، جروبحث‌هایمان بالا گرفت. می‌خواستم خودم را جدی نشان بدهم و او را بترسانم، از داخل داشبورد چاقویی را درآوردم. زهرا فرمان ماشین را گرفت و داخل ماشین با هم درگیر شدیم. نمی‌خواستم او را بکشم. با دیدن چاقو درگیری‌اش جدی‌تر شد و در همین لحظه تیزی چاقو به گردنش خورد. با اینکه نمی‌خواستم او را بکشم اما از سر عصبانیت وقتی خونریزی شدید گردنش را دیدم، با چاقو چندین ضربه به او زدم. این درگیری در خیابان شهدای گمنام اتفاق افتاد بعد با جنازه‌اش به سمت جاده ساوه حرکت کردم. نزدیک عوارضی اتوبان تهران - ساوه، جنازه را زیر یک پل رها کردم. نمی‌توانستم باور کنم مرتکب قتل شده‌ام. تصمیم گرفتم به زندگی‌ام پایان بدهم. در عرض چند دقیقه حدود ۴۵۰ عدد قرص خوردم و مرا به بیمارستان رساندند.» بنا بر این گزارش، متهم به قتل اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

عکس: شرق

حفظ سوره لقمان، جایگزین مجازات پسر نوجوان

شرق: پسر نوجوانی که به اتهام رانندگی بدون گواهینامه به دادگاه اطفال کرمان معرفی شده بود، با حکم قاضی دادگاه موظف شد در مدت سه ماه سوره لقمان قرآن کریم را به همراه ترجمه آن حفظ کند.

این حکم که به‌عنوان حکم جایگزین صادر شده، پسر ۱۴ ساله را از رفتن به کانون اصلاح و تربیت معاف کرده است البته به شرط اینکه او در زمان مقرر شده بتواند در آزمونی که از وی گرفته می‌شود، قبول شود. این نوجوان که امیرمحمد نام دارد چندی قبل حین رانندگی با عابری تصادف و او را زخمی کرد، او سپس توسط پلیس دستگیر شد و پس از آن پرونده اتهامی وی به جریان افتاد.

امیرمحمد باید طبق قانون علاوه بر پرداخت دیه و ارش شاکی طبق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی به خاطر جنبه عمومی جرم به حبس نیز محکوم می‌شد البته چون زیر سن قانونی بود، باید دوران محکومیتش را در کانون اصلاح و تربیت می‌گذراند اما قاضی دادگاه وقتی دید امیرمحمد از خطایی که مرتکب شده، پشیمان است تصمیم گرفت او را به کانون نفرستد تا حبس برای وی عواقب منفی نداشته باشد؛ او در حکمی که در دستگاه قضایی ایران چندان معمول نیست از مجازات جایگزین استفاده کرد. طبق رای صادره امیرمحمد باید دیه و ارش فرد مصدوم را بپردازد و مجازات سه ماه حبس او به مدت سه سال به تعلیق درآمد. درصورت تایید این حکم امیرمحمد بعد از سه ماه باید آزمون بدهد تا معلوم شود سوره لقمان را حفظ کرده یا خیر، اگر او این کار را انجام ندهد یا اینکه در این مدت مرتکب جرمی دیگر شود علاوه بر مدت سه ماهه محکومیت باید دوران معلق محکومیتش را نیز سپری کند.

رییس شعبه‌ویژه رسیدگی به جرایم اطفال دادگستری کرمان در این رابطه تاکید کرد: استفاده از این‌گونه جایگزین‌های حبس درخصوص مرتکبان جرایم غیرعمدی و جوانان و نوجوانان علاوه بر کاهش جمعیت زندان‌ها، از آثار و نتایج اخلاقی اجتماعی خوبی برخوردار است و از طرفی از تبعات و آثار منفی مجازات زندان نیز جلوگیری می‌شود.

به‌رغم اینکه بسیاری با صدور احکام جایگزین موافق هستند و آن را مفیدتر از زندان و مجازات‌های سنتی می‌دانند، به دلیل اینکه چنین موضوعی به صورت صریح در قانون نیامده است، کمتر چنین احکامی صادر می‌شود. پیش از این چند بار قضات دادگاه اطفال تهران نیز چنین رای‌هایی را انشا کرده بودند. یکی از این حکم‌ها در مورد پسر ۱۷ ساله‌ای صادر شد که به اتهام نگهداری مشروبات الکلی دستگیر شده و به جرمش اعتراف نیز کرده بود. او مطابق قانون به سه ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شد اما قاضی دادگاه این مجازات وی را به حالت تعلیق درآورد و به جای آن پسر نوجوان را که سابقه کیفری نداشت، موظف کرد در تهران و حومه ۹۱ اصله درخت بکارد.

در پرونده‌ای دیگر وقتی پسری نوجوان به اتهام سرقت دستگیر شد و از کاری که انجام داده بود ابراز پشیمانی کرد، قاضی دادگاه وی را به باغبانی محکوم کرد. محکومیت یک دختر فراری به کار در خانه سالمندان و موظف کردن پسر بیسوادی که به سرقت متهم شده بود، به سوادآموزی از دیگر احکامی است که تاکنون صادر شده است.

پرونده زن ۱۷ساله روی میز دادستان کل کشور

قتل شوهر دوم‌ام کار من نبود

شرق: دادستان کل کشور درخواست اعاده دادرسی زن نوجوانی را که به اتهام قتل شوهرش به قصاص محکوم شده است، مورد بررسی قرار می‌دهد. به گزارش خبرنگار ما، لاله زنی که متهم است در ۱۷سالگی شوهر دومش را به قتل رسانده، چندی قبل به قصاص محکوم شد و این حکم به تایید دیوان‌عالی کشور نیز رسید.

این پرونده صبح روز ۳۰ فروردین دوسال قبل با تماس تلفنی پیش‌نماز یک مسجد با پلیس شهر شیراز تشکیل شد. این مرد به ماموران گفت یکی از کارمندان کانون مسجد، جانش را از دست داده و از آنجایی که صورتش کبود است به نظر می‌رسد مرگ وی طبیعی نیست. با توجه به این گزارش ماموران پلیس در محل حاضر شدند و تحقیقات خود را آغاز کردند. اطلاعات اولیه به دست آمده نشان می‌داد متوفی بهنام نام دارد و آخرین بار توسط نگهبان و پیش‌نماز مسجد به همراه همسرش لاله دیده شده است. با دستور بازپرس جسد به پزشکی قانونی انتقال یافت و ماموران برای اینکه بدانند شب قبل چه اتفاقی افتاده و لاله، همسر بهنام چه چیزی در این مورد می‌داند به خانه پدری لاله رفتند. در آنجا بود که ماموران متوجه شدند لاله و پدرومادرش در منزل نیستند. یک ساعت بعد پدر لاله با ماموران تماس گرفت و گفت دخترش به مدرسه نرفته و او ساعت هفت صبح از این موضوع مطلع شده‌است. او گفت: «ناهید دوست دخترم با خانه ما تماس گرفت و گفت لاله به مدرسه نرفته من هم نگران شدم و جست‌وجو را برای پیدا کردن دخترم شروع کردم بعد هم فهمیدم ماموران به خانه من آمده‌اند.» ساعاتی بعد از این تماس لاله به خانه برگشت و یک روز بعد هم توسط ماموران بازداشت شد. این دختر در حالی که به شدت ترسیده‌بود و اضطراب داشت برای ماموران توضیح داد شوهرش را کشته و تا صبح بالای سر جسد او نشسته و صبح از کانون مسجد بیرون آمده و برای ساعاتی در شهر پرسه زده‌است.

لاله گفت: چند ماهی بود با بهنام عقد کرده بودم. او از اقوام مادرم بود و بعد از جدایی از همسر اولم با او ازدواج کردم. مشکل من و بهنام زمانی آغاز شد که من از عابربانک او مبلغی پول برداشتم و به شوهرم نگفتم. بهنام عصبانی شد و گفت این کار دزدی است. او می‌خواست از من شکایت کند و من از ترس نقشه قتلش را کشیدم. لاله ادامه داد: «من بهنام را دوست نداشتم و مجبور بودم او را تحمل کنم. من می‌خواستم درس بخوانم اما بهنام مرا اذیت می‌کرد.»

پلیس در شاخه دیگری از تحقیقات خود شاهدان ماجرا را بازجویی کرد. ناهید، همکلاسی لاله اولین کسی بود که تحت بازجویی قرار گرفت. او گفت: من با لاله دوست بودم اما خیلی در مورد زندگی خصوصی‌اش با من حرف نمی‌زد البته می‌دانستم عقد کرده و شوهرش را دوست ندارد. او می‌گفت می‌خواهد شوهرش را بکشد و یک روز قبل از اینکه بهنام بمیرد چند عدد قرص خرید و گفت می‌خواهد آنها را پودر کند و به شوهرش بدهد. من فکر نمی‌کردم لاله چنین کاری بکند و جرات آدم کشتن داشته باشد به همین دلیل هم سکوت کردم. پیش‌نماز مسجد هم به ماموران گفت: می‌دانستم بهنام و زنش با هم مشکل دارند و می‌خواهند از هم جدا شوند. روز حادثه وقتی آنها را با هم دیدم خوشحال شدم و فکر کردم، آشتی کرده‌اند چون غذا خریده بودند و به سمت کانون می‌رفتند که غذا بخورند به نظر می‌رسید که رابطه خوبی با هم دارند. بعد از آن هم دیگر آنها را ندیدم و فکر می‌کردم در دفتر کانون هستند تا اینکه فردای آن روز متوجه شدم در کانون باز است. وارد شدم و جسد بهنام را دیدم که یک پتو روی آن کشیده شده بود. اول فکر کردم خودکشی کرده اما بعد متوجه شدم او را کشته‌اند.

با به دست آمدن این اطلاعات، پرونده اتهامی لاله به دادسرا فرستاده شد. این زن ۱۷ساله گفت: من و بهنام سه ماه بود که به عقد هم درآمده بودیم. من او را دوست نداشتم و به علت اینکه پدر و مادرم اذیتم نکنند به روی خودم نمی‌آوردم تا اینکه ماجرای برداشت پول از حسابش پیش آمد. بهنام می‌گفت این موضوع را به مادرم می‌گوید و از من شکایت می‌کند. این کار شرایط را خیلی بد می‌کرد و نه می‌توانستم در خانه پدرم جایی داشته‌باشم و نه در خانه شوهر. به همین دلیل هم تصمیم به قتل بهنام گرفتم. پنج عدد قرص دردکلیه را که دکتر به من داده‌بود پودر کردم و داخل یک قوطی آبمیوه ریختم با مادرم به کانون رفتیم و او من را تحویل بهنام داد. بعد با بهنام ناهار خریدیم. من آبمیوه را به شوهرم دادم و او همراه غذا خورد. خیلی تغییری نکرد. تا ساعت حدود هفت شب که کمی گیج شد گفتم به داروخانه می‌روم و برایت دارویی می‌گیرم. به داروخانه رفتم گفتم مادربزرگم خیلی غر می‌زند و من می‌خواهم درس بخوانم از آنها خواستم دارویی بدهند که آرام شود. متهم ادامه‌داد: آنها به من قرصی دادند و آن را داخل شیر حل کردم و دو لیوان شیر به بهنام دادم و او هم خورد. بعد سرنگی را که از قبل آماده کرده‌بودم از کیفم بیرون آوردم و سه آمپول هوا به یک دستش و دو آمپول هوا به دست دیگرش زدم و همه را در رگ تزریق کردم. باز نمی‌مرد و هنوز زنده بود. کمی درس داشتم رفتم و درس خواندم. چون امتحان زیست داشتم و چند صفحه‌ای از کتاب مانده بود. وقتی برگشتم بهنام زنده بود، باید کار را تمام می‌کردم سیم‌شارژ لپ‌تاپ کنار تخت بهنام بود آن را برداشتم و دور گردنش پیچیدم و او را خفه کردم. تا صبح بالای سر جسد نشستم و بعد از کانون بیرون رفتم و بعد هم بازداشت شدم.

بازپرس پرونده در ادامه لاله را به پزشکی قانونی معرفی کرد و از این سازمان خواست تا در مورد علت دقیق مرگ بهنام هم اظهار نظر کند. پزشکان قانونی در مورد علت مرگ بهنام گفتند این جوان بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردنش جان خود را از دست داده و در واقع خفه شده است اما ادعای لاله در مورد آمپول هوا و خوراندن قرص‌های متنوع به این جوان مورد بررسی قرار نگرفت. آنها همچنین در مورد وضعیت روانی لاله گفتند این نوجوان دچار جنون نیست و مسوول اعمال خودش است اما دچار افسردگی شدید است و میل شدیدی به خودکشی دارد. بعد از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست علیه زن ۱۷ساله پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری استان فارس رفت. وقتی زمان رسیدگی به پرونده به لاله و وکیل مدافعش ابلاغ شد، این دختر نامه‌ای به قضات دادگاه نوشت و ادعا کرد در قتل شوهرش تنها نبوده و سه همدست داشته است. او خطاب به قضات نوشت: «یک زن بلندقد و دو مرد که آنها را نمی‌شناسم شوهرم را کشتند البته من قبول دارم همدستی کردم اما عامل اصلی قتل نبودم.»

لاله در جلسه دادگاهش هم این ادعا را مطرح کرد و گفت: زمانی که در اداره آگاهی بودم از ترس، هرچه به من می‌گفتند، قبول می‌کردم و در بازسازی صحنه هم افسر پرونده‌ام من را فریب داد و گفت صحنه را بازسازی کن من کمکت می‌کنم. من هم هرچه گفته‌بودم را بازسازی کردم.

او در مورد اینکه چرا موضوع را به بازپرس اطلاع نداده بود گفت: من فرق بازپرس و افسر پرونده‌ام را نمی‌دانستم و فکر می‌کردم بازپرس هم در اداره آگاهی است. زمانی که نوبت به وکیل مدافع متهم رسید او از دادگاه خواست تا جلسه‌ای تشکیل دهند و ادعای لاله را بررسی کنند اما این درخواست مورد قبول واقع نشد و در نهایت هیات قضات شعبه پنجم دادگاه کیفری‌استان فارس لاله را به اتهام قتل همسرش و با درخواست اولیای‌دم به قصاص محکوم کرد. لاله و وکیل مدافعش به رای صادره اعتراض کردند و درخواست تجدیدنظرخواهی دادند اما حکم در دیوان‌عالی کشور تایید شد و اکنون وکیل مدافع لاله خواستار اعاده دادرسی شده است. این درخواست باید توسط دادستان کل کشور بررسی شود و چنانچه مورد قبول قرار بگیرد زن ۱۷ساله بار دیگر محاکمه خواهد شد.

عکس: شرق

پنج قاره

۲۲ کشته و مفقود در پی ریزش برج ۲۰ طبقه

آسوشیتدپرس: ریزش یک برج ۲۰ طبقه و ساختمان‌های همجوارش در «ریودوژانیرو» برزیل تاکنون شش کشته و ۱۶ مفقود برجای گذاشته است. نیروهای امداد توانسته‌اند شش نفر را زنده از میان آوار خارج کنند. اگرچه دیگر احتمال وقوع انفجار ناشی از نشت گاز وجود ندارد اما شدت حادثه به حدی است که با گذشت زمان امیدها برای زنده یافتن دیگر ساکنان این سه ساختمان کمتر می‌شود. به گفته مقامات، علت این حادثه در دست بررسی است اما احتمال دارد ساخت غیرقانونی باعث خرابی ساختمان ۲۰ طبقه و ریزش دو ساختمان کناری آن شده باشد.

کشف کوکایین از مقر سازمان ملل

آسوشیتدپرس: سخنگوی پلیس نیویورک از کشف یک محموله ۱۶ کیلوگرمی کوکایین خبر داد. این محموله موادمخدر هفته گذشته به مقر سازمان ملل فرستاده شده بود.

پاول براون، سخنگوی پلیس نیویورک گفت: این محموله موادمخدر را داخل یک بسته سفیدرنگ که لوگویی شبیه به لوگوی سازمان ملل روی آن حک شده بود، کشف کردند.

پاول براون گفت: از آنجا که روی این بسته هیچ نام و نشانی وجود نداشت، کارکنان شرکت پست با دیدن لوگوی سازمان ملل آن را به مقر این سازمان ارسال کردند.

بنابر این گزارش بسته‌های موادمخدر در داخل برگه‌های کتابی جاسازی شده بود و به نظر می‌آید قاچاقچیان موادمخدر قصد ارسال این محموله را به آمریکا داشتند اما در برنامه‌های آنان اشتباهی صورت گرفته بود.

تعقیب و گریز مرگبار

ایسنا: تعقیب و گریز پلیس هند برای دستگیری یک قاتل فراری به مرگ ۹ عابرپیاده منجر شد و بیش از ۱۲نفر را راهی بیمارستان کرد. پلیس محلی شهر «پونا» اعلام کرد که راننده این اتوبوس به اتهام قتل تحت تعقیب پلیس بود و برای فرار با سرعت زیاد رانندگی می‌کرد که سرانجام این تعقیب و گریز به وقوع این سانحه رانندگی و دستگیری راننده ۳۰ ساله منجر شد. به گفته شاهدان، عابران با دیدن این راننده اتوبوس که با سرعت در حال رانندگی بود، سعی کردند فرار کنند و خود را نجات دهند اما ۹ نفر از آنان جان خود را از دست دادند.

۲۵ سال زندان برای مرد متجاوز

ایسنا: مرد آمریکایی به جرم ثبت تصاویر مستهجن از تجاوزش به یک پسربچه به ۲۵ سال حبس محکوم شد. یک قاضی فدرال، جاشورا بوراس ۳۴ ساله را پس از آنکه جرایمش در دادگاه ثابت شد، به جرم هرزه‌نگاری به حبس محکوم کرد. وزارت دادگستری آمریکا اعلام کرد: متهم در یک موسسه بهره‌کشی از کودکان مشارکت داشت و تصاویر متسهجن از این کودکان را تهیه و در شبکه اینترنت منتشر می‌کرد. این موسسه وابسته به یک موسسه دیگر به نام «پسر گمشده» است که اعضای آن برای عضویت باید ابتدا یکسری تصاویر هرزه‌نگاری را در اختیار این موسسه قرار دهند و برای ادامه فعالیت نیز باید به این کار ادامه دهند. این گروه ۳۵ عضو از آمریکا، برزیل، کانادا، فرانسه، آلمان، نیوزلند، انگلستان، بلژیک و سایر کشورها دارد که بنابر اعلام دادگستری آمریکا بسیاری از این اعضا دستگیر و محاکمه شده‌اند. این موسسه سه سال پیش توسط مقامات فدرال و آژانس‌های حقوقی بین‌المللی تعطیل شد.

نگاه

مجازات‌های جایگزین از منظر قانون

محمدرضا محمدی‌کشکولی*

■ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های تکمیلی را برای مجرمان مدنظر قرار داده است و مطابق آن علاوه بر مجازات حبس و شلاق با توجه به اوضاع و احوال یا سوابق اجتماعی مجرم می‌توان برای او در نظر گرفت. بنابراین هر قاضی می‌تواند علاوه بر مجازات اصلی از مجازات تکمیلی استفاده کند که برخی احکام صادره توسط قضات دادگاه‌های اطفال نیز در همین عنوان جای می‌گیرد، البته برخی این احکام را مغایر با قانون می‌دانند که البته دلیلی برای اثبات این ادعا وجود ندارد و ضمن اینکه دستگاه نظارتی موجود در قوه‌قضاییه بر عملکرد قضات نظارت دارد و درصورتی که احکام جایگزین خلاف قانون باشد از تکرار احکام مشابه جلوگیری می‌کرد، درواقع باید گفت این نظر که چنین احکامی هم غیرقانونی است، خود غیرقانونی است و اتفاقا مجازات‌های تکمیلی که از آنها به عنوان مجازات جایگزین هم نام برده شده است برای تنبیه یا تربیت اطفال یا مجرم سن پایین موثرتر است.در حال حاضر با توجه به قانون موجود معمولا برای مجرمان معمولی از این مجازات به عنوان تبعید یا اقامت اجباری در محل دیگر استفاده می‌شود. البته مجازات‌های جایگزین باید بیشتر برای نوجوانان و زنان و به‌طور کلی باتوجه به جنس مجرم و برای افرادی که مجرمان خطرناکی نیستند و سن پایین‌تری دارند درنظر گرفته شود. البته باتوجه به شرایط فعلی به لحاظ تعداد پرونده‌های موجود و نرخ جرم اجرای این‌گونه مجازات‌ها سخت است، درست است که چنین امکانی در قانون پیش‌بینی شده اما نحوه صدور و اعمال آنها در دادسراها و دوایر اجرای احکام به نظارت دقیق نیاز دارند تا هدف و روح صدور این احکام محقق شود، برای مثال شستن ظرف برای مردانی که با زنان‌شان بدرفتاری می‌کنند می‌تواند یک مجازات جایگزین مناسب باشد اما نظارت بر اجرای حکم اینچنینی سخت است و به همین سبب قضات از مجازات‌های اصلی استفاده می‌کنند.همان‌طور که بیان شد بررسی اوضاع و احوال موجود در جامعه و تحقیق درباره شخصیت مرتکب جرم در استفاده از چنین احکامی بسیار مهم است، همچنین می‌توان به اشراف قاضی بر قوانین و مقررات، شرایط اقتصادی و حتی فرد بزه‌دیده به‌عنوان عوامل موثر در صدور چنین احکامی اشاره کرد. این درحالی است که سیاست‌های قضایی قوه‌قضاییه نیز به سوی حبس‌زدایی سوق دارد و معمولا به استفاده از مجازات جایگزین توصیه می‌شود، بنابراین سیاست حبس‌زدایی رییس قوه‌قضاییه در این راه بسیار موثر است، ضمن اینکه برگزاری همایش، آموزش ضمن خدمت قضات، پایین‌آوردن نرخ جرم و پرونده‌های ورودی به سیستم قضایی در جاافتادن این‌گونه احکام بسیار تاثیرگذار است.

*قاضی دادگاه کیفری استان تهران

حادثه‌ها

بازگشت مجدد سارق به محل سرقت

■ **پلیس‌خبر:** سارق سابقه‌داری که با بازگشت مجدد به محل وقوع سرقت، اقدام به‌سرقت ۱۳حلقه النگو، یک سرویس جواهر به ارزش تقریبی ۳۰۰میلیون ریال و فاکتورهای طلاجات سرقتی کرده بود در عملیاتی غافلگیرانه دستگیرشد. فرمانده انتظامی پیشوا دراین‌باره گفت: چندی پیش در پی اطلاع از یک فقره سرقت منزل و دزدیده شده مقداری طلا و جواهرات و وجه نقد در یکی از شهرک‌های این شهرستان، عملیات شناسایی سارق آغاز شد. سرگرد «آدینه‌وند» افزود: بررسی و تحقیقات ماموران ادامه داشت تا اینکه با تماس مردمی مشخص شد سارق برای برداشتن فاکتورهای خرید طلاجات و مابقی زیورآلات گرانبها مجدد به محل وقوع سرقت بازگشته و با توسل به زور و تهدید و ارعاب اقدام به‌سرقت ۱۳حلقه النگو، یک سرویس جواهر به ارزش تقریبی ۳۰۰میلیون ریال و فاکتورهای طلاجات سرقتی کرده و متواری شده است. این مقام انتظامی تصریح کرد: با کنترل رفت‌وآمد افراد شرور و سابقه‌دار و ترسیم چهره فرضی از متهم، هویت سارق که دارای سوابق متعدد شرارت و سرقت بود، شناسایی شد و در یکی از شهرستان‌های همجوار دستگیر شد و به جرمش اعتراف کرد.

عملیات نجات در مجتمع تجاری

■ **شرق:** آتش‌سوزی فروشگاه‌های مجتمع تجاری در غرب تهران مهار و کاملا خاموش شد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران، ستاد فرماندهی این سازمان ساعت ۳:۵۲ بامداد دیروز با دریافت خبر وقوع این حادثه بلافاصله آتش‌نشانان را به محل حادثه در شهرک اکباتان، فاز سه اعزام کرد. به گفته مهدی داوری معاون منطقه چهار عملیات آتش‌نشانی تهران که برعملیات آتش‌نشانان نظارت داشت، آتش‌سوزی از یکی از فروشگاه‌های مجتمع تجاری شروع شد و به سرعت گسترش یافت. وی افزود: در مدت زمان کوتاهی تیم جست‌وجو توانست کارگر یک اغذیه فروشی را که در میان آتش و دود گرفتار شده و بی‌حال در کف مجتمع افتاده بود از مرگ حتمی نجات دهد. داوری در ادامه تصریح کرد: تیم دوم که مسوولیت مهار شعله‌های آتش را برعهده داشت از پشت بام و ضلع شمالی مجتمع وارد یکی از فروشگاه‌های مجتمع که کانون آتش سوزی بود نفوذ و آتش سوزی را مهار و از رسیدن به بانک مجاور و فروشگاه‌های دیگر جلوگیری کردند.